

شایعه و شایعه‌پردازی در عصر قاجار

زهره چراغی*

چکیده

شایعه در همه فرهنگ‌های بشری وجود دارد و پدیده‌ای است که براساس شنیده‌ها و زمینه قبلی افکار عمومی شکل می‌گیرد. بشر در زندگی روزمره خود با دوستان، آشنایان، همکاران، و مانند آن‌ها شایعات زیادی را می‌شنود و یا منتشر می‌سازد. لیکن با توجه به ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی هر جامعه برخی شایعات زمینه مناسبی برای نقل و انتشار می‌یابد.

این نوشتار در دو بخش تنظیم شده است. در بخش اول ساختار شایعه به لحاظ اجتماعی بررسی می‌شود؛ به این ترتیب که ابتدا به شایعه و شرایط مناسب در روند شکل‌گیری و رواج آن از منظر روان‌شناسی اجتماعی پرداخته شده است و سپس در بخش دوم برخی شایعات رایج در عصر قاجار با توجه به ساختار سیاسی-اجتماعی ایران در آن عصر مورد ارزیابی قرار گرفته و در این رهگذر نقش برخی از عواملان ثبت و انتشار شایعه روشن می‌شود.

کلیدواژه‌ها: شایعه، قاجار، ناصرالدین‌شاه، امیرکبیر، داری، گریبایدوف.

مقدمه

شایعه به علت پیوند با انسان رفتاری اجتماعی است که از دیرباز در تمام جوامع متداول بوده است. ویرژیل (Virgil)، شاعر رومی قرن اول پم، می‌گوید:

هیچ شیطان دیگری سریع‌تر و تندتر از شایعه نیست؛ شایعه با هر حرکت که جلو می‌رود قدرت تخریبی بیشتری به دست می‌آورد (Koeing, 1985: 3).

* استادیار گروه تاریخ، دانشگاه یزد zohre.cheraghi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۲/۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۲/۲۸

در دوران جنگ جهانی دوم شایعات بسیاری در مورد بمب اتم، مرگ شخصیت‌های برجسته، جنگ و مانند آن در غرب منتشر شد و زمینه توجه، مطالعه و بررسی برخی از پژوهشگران امریکایی و اروپایی واقع شد.

در اوایل قرن بیستم زمانی که روش‌های علمی محور بررسی و پژوهش جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، مردم‌شناسان، و محققان قرار گرفت، شایعه به‌منزله یک پدیده اجتماعی، روانی و تاریخی موضوع مطالعه آسیب‌های سیاسی-اجتماعی شد. براساس بررسی‌های پژوهشگران، ویژگی‌های اقتصادی و سیاسی جوامع در رواج برخی از شایعات نقش فراوانی دارند. شایعات رایج در جوامعی که به‌لحاظ اقتصادی قوی و قابل توجه‌اند در قلمرو چگونگی تولید و مصرف و سود و زیان دور می‌زند و در کشورهایی که جامعه به‌لحاظ سیاسی امنیت روانی و اجتماعی لازم را ندارد، شایعات سیاسی متداول‌تر است.

پدیده شایعه در ایران عصر قاجار نیز در ارتباط با مسائل و مشکلات سیاسی و اقتصادی این عصر، حضور دولت‌های روس و انگلیس و بهره‌برداری سیاسی و اقتصادی آنان به‌مثابه یک مقوله سیاسی-اجتماعی قابل بررسی و ارزیابی است. خصوصاً آن‌که برخی شایعات از مرحله شفاهی و دهان‌به‌دهان گذشته و به‌صورت مکتوب در برخی کتب تاریخی منعکس شده است؛ لذا در این نوشتار پرسش این است:

دغدغه‌های جامعه عصر قاجار، که منجر به رواج شایعات مکتوب شده، چه بوده است و آیا می‌توان براساس شایعات مکتوب به میزان اهمیت آن‌ها در جامعه پی برد؟ منابع انتشار شایعات از چه طیف‌هایی بوده‌اند؟

۱. تعریف شایعه

واژه «شایعه» مؤنث کلمه «شایع» است که از ریشه کلمه «شیع» (عربی) گرفته شده است. واژه «شیع» به‌معنای رواج‌یافتن و منتشرشدن است و کلمات «شیوع» و «شایعه»، که مشتق از این واژه است، به معنی انتشار و بیان خبر است. دهخدا در لغت‌نامه «شایعه» را این‌گونه تعریف کرده است:

شایعه‌کردن مصدر مرکب و به معنی فاش‌کردن و آشکارنمودن و منتشرساختن است و شایعه خبرهای بی‌اصلی است که در میان مردم بر سر زبان‌ها باشد (لغت‌نامه، ۱۳۶۳: ذیل «شایعه»).

در قرآن مجید نیز «الارجف» به معنی شایعه آمده و از شایعه‌پراکنان به نام «مرجفون» نام

برده شده است (احزاب: ۶۰، ۶۱). ارجاف از ریشه رجف به معنی لرزیدن و انتشار اخبار باطلی است که دل‌های مردم را لرزانده و نگران‌شان می‌کند. اراجیف جمع ارجاف است که در زبان فارسی بسیار رایج و به معنای خبرهای نادرست، سخنان بی‌اصل و پایه است (نعت‌نامه، ۱۳۶۳: ذیل «اراجیف»).

کاپفر (Capfner) در بررسی شایعه آن را این‌گونه نقل می‌کند:

شایعه اساساً خبری است که درباره شخص یا حادثه مهمی در زمان خود مطرح می‌شود. شایعه موضوعی است که با قصد باور دیگران نقل می‌شود، بدون آن‌که به‌طور رسمی تأیید گردد (کاپفر، ۱۳۸۰: ۱۵).

دیفونزو (Difonzo) نیز بیان می‌کند:

شایعات بخشی از اطلاعات است که مورد علاقه مردم می‌باشد و با استانداردهای ایمن، روشن و آشکار مطابقت ندارد و برای باور عمومی ایجاد می‌شود (Difonzo, 2002: 2).

براساس تعاریف فوق می‌توان گفت: شایعه خبر یا اطلاعات تأیید نشده‌ای است که بدون اطمینان و دلیل و مدرک کافی انتقال می‌یابد.

اولین تحقیقات منظم درباره شایعه در آمریکا صورت گرفت و حجم عظیم شایعات مربوط به جنگ جهانی دوم موجب شد چند گروه محقق موضوع را مورد بررسی قرار دهند. آلپورت (Alport)، پستمن (Postman) و ناپ (Nap) از جمله پژوهشگرانی‌اند که بانی این رشته تحقیقی شدند. آلپورت معتقد است شایعه در غیاب «ملاک‌های اطمینان‌بخش رسیدگی» شکل می‌گیرد و این وجه تمایز شایعه از واقعیت است (آلپورت و پستمن، ۱۳۷۲: ۹؛ دادگران، ۱۳۷۶: ۱۳۶).

پژوهندگان علوم اجتماعی دو نوع تعریف از شایعه عرضه کرده‌اند:

الف) دسته اول تعاریفی‌اند که شایعه را خبر یا داستانی می‌دانند که اصولاً دور از واقعیت است.

ب) دسته دوم شایعات را اخباری می‌دانند که تأکیدی بر درستی یا نادرستی آنان وجود ندارد؛ آنان به کاربرد شایعه اهمیت می‌دهند (بی‌نا، ۱۳۸۰: ۶۲).

۱.۱ چگونگی رواج شایعه

بنا به نظر برخی از صاحب‌نظران (آلپورت و پستمن) شایعه محصول دو عامل است:

۱. علاقه جامعه به موضوع یا اهمیت داشتن آن (برای گوینده یا شنونده).
 ۲. میزان ابهام موضوع (احتمال وجود یک یا چند تعبیر از یک موضوع) و نقد اطلاع‌رسانی صحیح در جامعه.
- به این ترتیب فرمول یا قانون اصلی شایعه از دو شرط اهمیت و ابهام متأثر شده و در انتقال و رشد آن تأثیر دارد (آپورت و پستمن، ۱۳۷۲: ۴۵).

$$R \sim I \times A \text{ Rumor} \sim \text{Importance} \times \text{Ambiguity}$$

سه گرایش عمده در انتقال شایعه شناخته شده است:

۱. تسطیح: در روند حرکت و انتقال رفته‌رفته شایعه مختصرتر شده، برخی جزئیات حذف شده و کوتاه می‌شود.
 ۲. برجستگی: در این مرحله بعضی جزئیات رها شده و روی برخی جزئیات تأکید بیشتری به عمل می‌آید و در جریان انتقال به دیگران دچار دگرگونی و تغییرات اساسی می‌شود و در پایان به شکلی بازگو می‌شود که دیگر شباهتی با اصل موضوع ندارد.
 ۳. جذب یا همانندسازی: در این مرحله شخص یا اشخاص براساس تمایلات ذهنی و فرهنگی خویش بر قسمت‌هایی از روایت شایعه تأثیر می‌گذارند.
- این سه عامل موجب می‌شود که جریان انتقال شایعه به افراد یا گروه‌ها به تغییر و تحریف آن منجر شود (مهدی زادگان، ۱۳۸۰: ۶۲).

۲.۱ اهداف شایعه‌سازان

ابعاد شایعه وسیع است و کم‌وبیش در همه جوامع رواج دارد، اما در جوامعی که مردم با بی‌سوادی، فقر اطلاع‌رسانی و یا نظام‌های استبدادی مواجه‌اند، شایعات به مراتب زمینه رشد و نمو بهتری می‌یابند. شایعه در مقاطع مختلف بروز تنش‌ها و رسوایی‌های اجتماعی با سرعت و ابعاد گسترده‌تری منتشر شده و اشکال مختلف به‌خود می‌گیرد و شایعه‌سازان به تناسب موقعیت آن را جعل و پخش می‌کنند (ستوده، ۱۳۷۴: ۴۵). در واقع می‌توان اهداف شایعه‌سازان را در پخش اخبار کذب و شایعه در محورهای ذیل خلاصه کرد:

- ایجاد بدبینی به افراد؛

- افزایش نگرانی و اضطراب در مردم؛

- ترور شخصیت؛

- ایجاد فضای ناسالم اجتماعی و تقابل و صف‌بندی میان اقشار مختلف.

در مجموع می‌توان گفت شایعه گاهی اوقات داستان‌هایی است که دهان‌به‌دهان می‌شود و گاهی اوقات زائیده حوادث و واقعیت‌ها است که پیرامون آن‌ها سؤالاتی طرح شده و پاسخ‌هایی درباره آن ساخته شده است. میان شایعه و افسانه شباهت‌های زیادی وجود دارد، زیرا هر دوی آن‌ها واقعیت را به گونه‌ای دیگر نشان می‌دهند. در نظام‌های استبدادی، گاه عوامل حکومتی دست‌اندرکار انتشار یا جعل خبر در قالب شایعه می‌شوند. به عبارت دیگر می‌توان شایعه را گزارشی غیرموثق، تأییدنشده و گاه ساختگی درباره حادثه‌ای دانست که به میان اخبار می‌خزد و جانشینی برای خبر حقیقی است.

سانسورهای سیاسی به شایعات سیاسی دامن می‌زند. از شایعات به مثابه ابزار سیاسی برای ایجاد تنش در جامعه استفاده می‌شود؛ از این‌رو شایعه می‌تواند موجب گسترش بی‌اعتمادی، ناامنی، و هراس شود؛ عواملی که دستاویز نظام‌های استبدادی برای اعمال و تداوم سلطه است. در چنین جوامعی عوامل انتشار شایعه مانند: قدرت‌های پنهان، رقابت و تضادهای سیاسی و توافقات محرمانه به شیوه برجسته‌سازی و همانندسازی شایعه آن را انتقال می‌دهند (کاپفر، ۱۳۸۰: ۳۷۲).

۲. شایعات عصر قاجار

ساختار سیاسی جامعه عصر قاجار، دخالت‌های دو دولت روس و انگلیس، رقابت‌های اقتصادی و سیاسی دو دولت مداخله‌گر و واگذاری امتیازات به آنان وضعیت سیاسی و اجتماعی ایران را پرحادثه و پرفراز و نشیب ساخته بود.

در عهد ناصری روشنفکران، تجددگرایان و صاحبان قلم تلاش زیادی در عرصه‌های فرهنگی کرده و با تأسیس روزنامه‌ها و جراید مختلف، چه در داخل و چه در خارج ایران، سعی در رواج فرهنگ کتبی کردند، اما به‌رغم این تکاپو فرهنگ کتبی یا نوشتاری نتوانست به‌طور کامل جانشین فرهنگ شفاهی شود، زیرا میزان بی‌سوادی در سطح عموم جامعه و دسترسی ناچیز آن‌ها به اخبار موثق قابل توجه بود؛ از این‌رو عامه مردم آگاهی و اطلاعات خود را از طریق فرهنگ گفتاری یا شفاهی به‌دست می‌آوردند.

در جامعه ایران عصر قاجار از یک‌سو، وجود فرهنگ عمیق شفاهی و ضرب‌المثل‌های مشهوری مانند «تا نباشد چیزی که مردم نگویند چیزها» و یا «زیر کاسه نیم‌کاسه‌ای است»

میزان پذیرش شایعه را افزایش می‌داد و ازسوی دیگر سلطه حکومت مطلقه قاجار، فضای بسته و اختناق سیاسی، وجود نیروهای فرصت‌طلب و سرسپرده در دستگاه حکومتی و همچنین نقش دول خارجی روس و انگلیس در حفظ منافع سیاسی و اقتصادی خود در ایران، به روند سانسور و انتشار شایعات کمک کرد و کار سازمان‌دهندگان شایعه را سهل و آسان ساخت.

بسیاری از شایعات عصر قاجار در پی حوادث و رویدادهای مهم تاریخی شکل گرفته است؛ اما در میان شایعات گوناگون تنها برخی از آن‌ها به کتب تاریخی راه پیدا کرده و مکتوب شدند. در مجموع می‌توان گفت در ایران عصر قاجار با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه و بر حسب اهمیت رخدادها در ابعاد گوناگون سیاسی و اجتماعی، شایعه عمدتاً به اخبار مهم و نادرستی اطلاق می‌شود که در سایه آن اعمال و رفتار دولت و حکومت و یا عناصر واپس‌گرا در مواجهه با آن حادثه موجه جلوه‌گر شود. از جمله موضوعاتی که منجر به رشد و انتشار شایعه شده و در برخی از متون مکتوب شدند، عبارت‌اند از: حادثه گریبایدوف، مرگ امیرکبیر، واگذاری امتیاز تنباکو، قتل ناصرالدین‌شاه، واگذاری امتیاز نفت و ایجاد مدارس نوین که ذیلاً به آن‌ها پرداخته می‌شود:

۱.۲ قتل گریبایدوف

حادثه قتل گریبایدوف یکی از موضوعات پرهیاهو و شایعه‌برانگیز عصر قاجار است. پس از عقد معاهده ترکمانچای، دربار روسیه گریبایدوف را، که از نویسندگان مشهور روس بود، برای اجرای مفاد عهدنامه ترکمانچای و حل اختلافات مرزی به تهران فرستاد (شمیم، ۱۳۷۴: ۱۰۴). وی به‌عنوان سفیر فوق‌العاده وزیرمختار دولت تزاری روس در سال ۱۲۴۴ ق به تهران رسید. گریبایدوف به استناد مقررات عهدنامه ترکمانچای و مفاد متمم قرارداد از دولت ایران خواست که دو زن ارمنی اهل ایروان و تغلیس را، که مسلمان شده و در خانه اللهیار آصف‌الدوله اقامت داشتند، به‌علت تصرف ایروان به‌دست روسیه تحویل آن سفارت دهند. زمامداران ایرانی پس از آن‌که نتوانستند سفیر را منصرف کنند، ناچار آن دو زن ارمنی را به سفارت تحویل دادند. سپس با تبلیغات منفی آصف‌الدوله و همچنین نامه و تذکرات میرزا مسیح مجتهد و دیگر روحانیون مبنی بر آزدسازی دو زن مسلمان از دست کفار مشاجرات میان سفیر و زمامداران شدت یافت؛ مردم پیرامون سفارت گرد آمدند و نهایتاً درگیری میان ایرانیان و اعضای سفارت شروع شد و گریبایدوف به قتل رسید (همان: ۱۰۵).

گریبایدوف یکی از شخصیت‌های ادبی روسیه عصر تزاری و از منتقدان دولت تزاری بود. در سال ۱۸۲۵م در کودتای نافرجامی که علیه نیکلای اول صورت گرفته بود، شرکت داشت و دستگیر شد؛ اما پس از چهار ماه تبریئه شد و با وقوع جنگ دوم بین ایران و روسیه به سمت منشی پاسکویچ معاهده ترکمانچای را به انشا درآورد. تزار اگرچه از نقش گریبایدوف در تأمین منافع روسیه تمجید کرد، اما به افکار وی بدبین بود و به دنبال دور کردن او از مرکز امپراتوری بود تا از گزند افکارش در امان باشد (قائم مقامی، ۱۳۴۸: ۲۵۸). از این رو به عنوان وزیرمختار روسیه در ایران برای نظارت بر اجرای قرارداد ترکمانچای مأمور شد. پس از حادثه قتل گریبایدوف در ایران تزار نه تنها از مرگ او ناراحت نشد بلکه خشنود هم شد، زیرا زمانی که خسرو میرزا، پسر عباس میرزا نایب‌السلطنه، در رأس هیئتی برای عذرخواهی از قتل گریبایدوف به روسیه اعزام شد مورد محبت تزار واقع شده و حتی یک کرور تومان از غرامت جنگی را، که دولت ایران می‌باید طبق عهدنامه پردازد، به ایران بخشید (همان: ۲۵۹).

به دنبال مرگ گریبایدوف شایعات مختلفی رایج شد، از جمله آن‌که نماینده دولت انگستان با گریبایدوف دوستی نزدیکی داشته و در ماجرای سفارت روسیه و قتل گریبایدوف در ۱۲۴۴ ق دست داشته است. عبدالله یف نقل کرده است که بیشتر نویسندگان دولت تزاری انگلیس را مسئول قتل گریبایدوف دانستند (عبدالله یف، ۱۳۵۶: ۲۰۳-۲۰۴). آوری به نقل از کنسول فرانسه در تبریز می‌نویسد:

در گزارش‌های سفیر فرانسه در سن پترزبورگ تلویحاً دولت عثمانی مسئول قتل گریبایدوف قلمداد شد (آوری، ۱۳۶۹: ۱۰۵/۱).

وی در تأیید نظر کنسول فرانسه اشاره می‌کند با توجه به درگیری‌های روسیه در جنگ، دولت عثمانی بی‌میل نبوده است که ایران را نیز درگیر جنگ دیگری با روسیه سازد (همان: ۱۰۶). شایعه دیگر این بود که گریبایدوف قربانی ناخشنودی رقبای شاهزاده عباس میرزا بر سر موضوع تضمین سلطنت وی در معاهده ترکمانچای شده است. منابع انتشار شایعه معتقد بودند گریبایدوف به ایران آمده تا بر اجرای معاهده نظارت کند، اما با کشته شدن وی به وسیله رقبای عباس میرزا، موضوع سلطنت عباس میرزا متفی می‌شود (همان).

رقابت‌های سیاسی دولت‌های مداخله‌گر روس و انگلیس در ایران، رقابت دولت عثمانی با روسیه و همچنین نیروهای هوادار عباس میرزا در انتشار شایعات مربوط به قتل

گریبایدوف نقش داشتند؛ به عبارت دیگر در مورد شایعات مربوط به قتل گریبایدوف، می‌توان نقش قدرت‌های پنهان (داخلی) و همچنین رقابت‌های دیپلماتیک (دول خارجی) را مشاهده کرد که چگونه از شایعه به‌منزله ابزاری سیاسی استفاده و بهره‌برداری می‌کردند.

۲.۲ مرگ امیرکبیر

مرگ امیرکبیر یکی دیگر از موضوعات شایعه‌ساز عصر قاجار است. قتل شخصیت‌های سیاسی بدون تردید از جمله مسائلی بودند که بروز شایعات را در اجتماع دامن می‌زدند؛ کما این‌که امروزه نیز به‌رغم پیشرفت‌های متعدد در امر اطلاع‌رسانی، شایعاتی از این دست به‌سرعت شکل می‌گیرد. در واقع رواج چنین شایعاتی را می‌توان نوعی گمانه‌زنی مستقل جامعه از نهادهای دولتی و خبری دانست، اما این روند در مورد شخصیت‌های عصر قاجار صدق نمی‌کند؛ زیرا معمولاً منابع انتشار شایعه از نهادهای دولتی مستقل نیستند.

در توجیه مرگ امیرکبیر، شخصیت مستقل و مثبت و برجسته ایران عصر قاجار، شایعاتی در دولت استبدادی مزبور نضج گرفت که سعی در طبیعی جلوه‌دادن مرگ وی بود. بدیهی است فردی چون امیرکبیر، که تمام همت خود را مصروف نظام‌بخشیدن دولت، تمرکز امور اداری و مالیات، سروسامان‌دادن به درآمد و هزینه‌های دولت، تنظیم بودجه و مواردی از این دست کرده بود، ممکن بود به‌راحتی قربانی توطئه دشمنان زیادی اعم از جیره‌خواران درباری و ایادی بیگانه قرار گیرد. لسان‌الملک سپهر، مؤلف *ناسخ‌التواریخ*، در مورد وی به اظهار نظر پرداخته و اعلام کرده است چون امیرکبیر از اصالت برخوردار نبوده و ظرفیت و گنجایش الطاف ملوکانه را نداشته است بزرگان و شاهزادگان باتجربه را معزول کرده و افراد ناشناخته و گمنام را به کارهای بزرگ می‌گمارد (لسان‌الملک سپهر، ۱۳۷۷: ۱۱۴۶/۱). در برخی مکتوبات تاریخی نیز متأثر از فضای سیاسی حاکم، قتل امیرکبیر را مرگ طبیعی قلمداد کردند. سپهر پس از اظهار نظر درباره امیرکبیر به عزل و اعزام وی به کاشان اشاره کرده و در مورد مرگ وی چنین می‌نویسد:

پس از مدت یک اربعین که در قریه فین روز گذشت، از اقتحام خون و ملال، مزاجش از اعتدال بگشت و سقیم و علیم افتاد و از فرود انگشتان پای تا فراز شکم رهین و متورم گشت و شب دوشنبه هیجدهم ربیع‌الاول در گذشت (همان: ۱۱۵۵).

سپهر در گزارش خود این حادثه را به‌صورت یک مرگ طبیعی جلوه‌گر می‌سازد. رضاقلی خان هدایت و محمدحسن خان اعتمادالسلطنه نیز مرگ امیرکبیر را بر اثر بیماری

حادث شده اعلام می‌کنند (هدایت، ۱۳۸۰: ۹/۱۰۶۷؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۳/۱۷۲۴). حتی روزنامه وقایع اتفاقیه، که به وسیله امیرکبیر تأسیس شد، در مورد مرگ امیرکبیر چنین می‌نویسد: میرزاتقی‌خان که سابقاً امیرنظام و شخص اول این دولت بود، در شب هیجدهم ماه ربیع‌الاول در کاشان وفات یافت (وقایع اتفاقیه، ۱۳۶۸).

با توجه به پیشینه و فرهنگ حاکمیت استبداد در ایران که اهل قلم از آزادی در نگارش محروم بودند و از آن‌جا که قدرت‌های استبدادی در ایران قدرت فراقانونی داشتند، حکومت قاجار نمی‌توانست در مقابل افراد پویا و مستقل سیاسی مانند امیرکبیر برخوردی سازنده داشته باشد؛ از این‌رو سلطان متأثر از ایادی و هواداران روس و انگلیس، درباریان و هدایت قدرت‌های نامرئی شایعه‌سازی، مرگ امیرکبیر را یک حادثه طبیعی قلمداد کرد و به‌دست مورخان و روزنامه‌های وقت منتشر ساخت.

۳.۲ واگذاری امتیاز دخانیات

توتون و تنباکو مورد مصرف بخش قابل توجهی از اقشار جامعه ایران در دوران قاجار بوده است. انحصار فروش دخانیات در ایران به یکی از اتباع دولت انگلیس، امتیاز بزرگی برای آن دولت محسوب می‌شد؛ از سوی دیگر امتیاز انحصاری دخانیات، به‌علت علاقه زنان و مردان ایرانی به استعمال چپق و قلیان یکی از مسائل و دغدغه‌های اکثریت جامعه محسوب می‌شد. ضرر و زیان‌هایی که به‌علت واگذاری این امتیاز به رعایا وارد می‌آمد، موجب بروز نارضایتی‌هایی در میان مردم، از جمله مردمان فارس، شد. تهرانی کاتوزیان در این باره می‌نویسد:

آقاسید علی‌اکبر فال‌اسیری، از علمای معتبر فارس، در مجالس و منبر بنای تنقید از ناصرالدین‌شاه را گذارد و بالاخره مردم در شاه‌چراغ جمع شده و بنای تظلم را به دربار ناصرالدین‌شاه از تعدیات عمال رژی گذاشتند و به حکم ناصرالدین‌شاه سیدعلی‌اکبر را دستگیر و تبعید کردند (تهرانی کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۴۹).

میرزا حسن شیرازی تلگرافاتی جهت توصیه و اندرز ناصرالدین‌شاه فرستاد و از آن‌جا که نصایح وی مؤثر واقع نشد، استعمال توتون و تنباکو از جانب وی حرام و در حکم محاربه با امام زمان شمرده شد (همان: ۵۱). پس از تحریم تنباکو بر حسب فتوای صادرشده، اکثریت قریب به اتفاق جامعه ایران از مصرف آن خودداری کردند.

واگذاری امتیاز دخانیات یکی از اتفاقاتی است که به بروز شایعات مختلفی در جامعه منجر شد. نمونه آن را می‌توان در یادداشت‌های معیرالممالک ملاحظه کرد. وی در یادداشت‌هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین‌شاه اشاره می‌کند:

چندی بعد از واگذاری امتیاز دخانیات به انگلیس، دولت روس خواستار امتیاز شد و شاه دانست قافیه را باخته است و به علاءالدوله گفت: تو باید در حضور درباریان از من با اصرار اجازه رفتن به عتبات خواهی و پیش میرزای شیرازی رفته بگویی که من در دادن امتیاز دخانیات اشتباه کردم و برای بازستاندن آن چاره‌ای جز تحریم دخانیات به حکم شما باقی نیست (معیرالممالک، ۱۳۶۲: ۱۰۰).

مؤلف حیات یحیی موضوع شایعه فوق را به گونه دیگری بیان کرده است:

کامران میرزا، میرزا حسن شیرازی را بر آن داشته که آشکارا ضد رژیمی یا به عبارتی بر ضد عملکرد دولت اقدام نماید (دولت آبادی، ۱۳۶۱: ۱/۱۰۸).

وی ادامه می‌دهد:

میرزا حسن شیرازی تا اطمینان از میل باطنی شاه نداشته باشد، جرئت نمی‌کند به چنین کار بزرگ اقدام نماید. همه روزه میرزا پیش از شروع درس شرحی راجع به این کار برای طلاب بیان نموده، مضرت‌های این امتیاز را آن‌طور که به او دستور داده‌اند، شرح می‌دهد (همان: ۱۰۹).

مؤلف اشاره می‌کند که نهایتاً حاج محمدکاظم ملک‌التجار فتوایی به امضای میرزای شیرازی منتشر کرد و گویا میرزا هم به او اجازه این کار را داد (همان). فرمانفرمایان نیز اعلام کرده است که به جناب حاج میرزا حسن شیرازی فتوایی نسبت داده شده است که استعمال دخانیات حرام و در حکم محاربه با امام (ع) است. وی زمینه پذیرش مردم را برای این حکم آزرده‌گی از دیوان دانسته و معتقد است به همین علت حکم واجب‌الاطاعه و واجب‌الامر شمرده شد (فرمانفرمایان، ۱۳۷۰: ۱۴۷).

در مجموع اخبار و اطلاعات مربوط و واگذاری امتیاز، نقش شاه، و درباریان در آن چندان روشن و آشکار نبود؛ اما کسب اخبار و اطلاعات موثق یا غیرموثق در مورد قرارداد توتون و تنباکو بسیار اهمیت یافته بود. حکم تحریم تنباکو موجب شد سروصدای زیادی در شهرهای بزرگ ایجاد شود؛ به گونه‌ای که در برخی نقاط مانند یزد کار به شورش انجامید.

شایعه دیگری مبنی بر درخواست پرداخت غرامت به مبلغ ۱۲/۵۰۰/۰۰۰ فرانک به صاحبان سهام در لندن منتشر شد (فووریه، ۱۳۶۶: ۲۳۵). البته درخواست غرامت تنها شایعه

نبود بلکه خبر بود و از سوی انگلیس درخواست شده بود؛ اما مبلغ درخواستی، که مبلغ بسیار سنگینی بود، به صورت شایعه دهان‌به‌دهان می‌شد. همچنین شایع شده بود که صدراعظم مانع ملغی شدن امتیاز دخانیات است و به پشت‌گرمی انگلیس می‌نازد و اعتماد او به انگلیس موجب شده که دیده‌بصیرتش نابینا شده و خطر را نبیند و نفهمد (همان: ۳۱۲).

۴.۲ قتل ناصرالدین شاه

حادثه قتل ناصرالدین شاه به دست میرزارضای کرمانی موجب بروز شایعاتی در مورد وی شد. امین‌السلطان در نامه‌ای در مورد قتل ناصرالدین شاه می‌نویسد:

قاتل، میرزارضا نام کرمانی است اول بابی بود بعد از آن که جمال‌الدین معروف به تهران آمد و نزد او مستخدم شد، مذهب دهری و سوسیالیست دارد. بعد از رفتن جمال‌الدین از تهران اعلانات بر ضد سلطنت منتشر نمود و ... (نهضت مشروطه ایران بر پایه اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰: ۸).

ادوارد براون در این مورد گفته است تعدادی از روزنامه‌ها مانند: منچسترگاردین مورخ ۴ مه، تایمز مورخ ۲ مه، گرافیک مورخ ۹ مه و بسیاری دیگر روزنامه‌ها مدعی شدند قاتل شاه یکی از بابیه بوده است (براون، ۱۳۷۶: ۷۲). به‌رغم هم‌صدایی چندین روزنامه در انتشار شایعه بابی بودن میرزارضای کرمانی، براون خبری از روزنامه استنادارد مورخ ۱۲ مه ۱۸۹۶ به این مضمون نقل می‌کند که:

قاتل یک بابی نیست بلکه این درباریان ایران هستند که تمایل دارند این قتل را به دشمنان خود نسبت دهند (همان: ۷۳).

وی سپس صورت استنتاج میرزارضا را به دست میرزا ابوتراب خان نظم‌الدوله به نگارش درآورده است که در پایان بازپرسی گزارش داده است که میرزارضا به علت نادانی شیفته سیدجمال‌الدین شده و به دستور وی به این عمل دست زده است (همان: ۳۰). آوری نیز به استناد اخبار درج‌شده در روزنامه‌ها می‌نویسد:

شایع بود بایان در قتل ناصرالدین شاه دست داشتند (آوری، ۱۳۶۹: ۱/۲۲۸).

وی در مورد شایعه رایج دخالت روحانیون در این امر به این نتیجه می‌رسد که چون روابط شاه با روحانیون آنقدر تیره نشده بود؛ لذا تصور نمی‌رود که روحانیون در قتل شاه دست داشته باشند؛ از سوی دیگر روحانیون در ماجرای لغو امتیاز تنباکو با صدور فتوای

یک مجتهد توانستند شاه را به زانو در آورند، پس راه‌های دیگری برای تضعیف شاه داشته‌اند (همان: ۲۲۹). محمود حکیمی در کتاب *ایران عصر ناصرالدین‌شاه* بیان کرده است که درباریان پس از خیر قتل شاه شایع کردند که یک نفر بابی وی را به قتل رسانده است و «شاهنشاه اسلام پناه» به خاطر اسلام شهید شده است (حکیمی، ۱۳۷۹: ۳۱۱-۳۱۲). مؤلف *میرزارضای کرمانی* نیز معتقد است شایعه قتل ناصرالدین‌شاه به دست یک بابی، از سوی درباریان و شایعه‌پراکنان شاه و دربار صورت گرفته است (نوری، ۱۳۶۱: ۴۹).

۵.۲ واگذاری امتیاز نفت

امتیاز دارسی (Darsi) یکی دیگر از موارد شایعه‌ساز بود. شایع شد در ایران چند نفر اروپایی و دارسی در مورد روشنایی آتش در آتشکده‌ها کاوش و جست‌وجو می‌کردند و دارسی معتقد بوده است که علت آن که آتشکده‌ها در طی قرون متمادی با شعله‌های سفیدی می‌سوخته این است که این آتشکده‌ها در محلی قرار داشتند که نفت و گاز در اعماق زمین وجود داشته است. این خیالات وی را به تکاپو انداخت و از آن زمان زمین‌شناسی به نام هیتی (Hiti) به وی کمک کرد که نفت را بیابد، اما چون نفتی به دست نیاورد مجدداً پس از کسب امتیازاتی از ناصرالدین‌شاه جهت خط‌آهن و معادن مشغول به کار شد و در همین زمان شرکتی انگلیسی به نام برمه اوایل در ایران دست به حفر چاه نفت زد و قصد داشت فرمان مظفرالدین‌شاه را از دست دارسی خارج سازد. دارسی همراه جاسوسان انگلیس با کشتی به نیویورک فرار کرد و در کشتی پس از صحبت با کشیش انگلیسی تمام امتیاز خود را به نفع کلیسا تسلیم کرد، اما کشیش مسیحی در واقع جاسوس انگلیس با نام ریلی (Raily) بود و قرارداد را به دست آورد و بدین ترتیب فرمان تأسیس شرکت نفت ایران و انگلیس داده شد که ۵۴ درصد سرمایه آن متعلق به ایتالیجنت سرویس بود (زیشکا، ۱۳۲۶: ۱۰-۱۴).

شایعه دوم در مورد دارسی این‌گونه مطرح شد که امتیاز نفت به بانک شاهی داده شد و چون این کار در مدت مقرر عملی نشد، امتیاز لغو شد. کتابچی‌خان امتیاز را به دست آورد و به دارسی فروخت و دارسی نیز آن را به انگلیس واگذار کرد و سپس در سال ۱۹۰۸ م، که شرکت نفت ایران و انگلیس تأسیس شد، امتیاز به دست آن شرکت افتاد (افشار، ۱۳۵۸: ۲۶۱).

سومین شایعه‌ای که در مورد دارسی رواج یافت این بود که واگذاری امتیاز نفت به

داریسی با پرداخت مبلغی پول صورت گرفته است. شایع شد که سهام این امتیاز ۲۰ هزار لیره نقد و ۲۰ هزار سهام بوده است و داریسی با پرداخت مبالغ زیادی پول به مشیرالممالک و اتابک (امین السلطان) این امتیاز را از آن خود کرده است. در واقع نیز این امتیاز با امضای اتابک و مشیرالممالک و شاه واگذار شد (فاتح، ۱۳۵۸: ۲۵۰).

شایعه اول به افسانه نزدیک تر بود تا واقعیت. به نظر می رسد شایعه دوم هم بیشتر براساس توافق های محرمانه به وسیله قدرت های پنهان منتشر شده باشد. شایعه یا خبر سوم بیشتر منشأ داخلی داشته و احتمالاً توسط قدرت های درباری و حکومتی نضج یافت. در مجموع به نظر می رسد در باب موضوعاتی چون قتل گریبایدوف و یا امتیاز نفت به علت ذینفع بودن دول خارجی، منابع انتشار شایعه هم توسط ایادی این دول و هم توسط نیروهای داخلی حکومتی شکل می گرفت؛ به عبارت دیگر بازار شایعه با منشأ ایادی داخلی و خارجی داغ بود.

۶.۲ مدارس نوین

گرایش به آموزش نوین یکی از تلاش های پیشگامان اصلاح طلبی در ایران است. اولین تکاپو در این زمینه به دوران عباس میرزا برمی گردد که اولین گروه از دانشجویان ایرانی را برای کسب علوم و فنون جدید به اروپا فرستاد، اما گرایش به تأسیس مدارس جدید تا عصر ناصری مورد استقبال قرار نگرفت. پس از تأسیس دارالفنون و با شکل گیری نارضایتی های عمومی در دوران مظفرالدین شاه، تلاش برای ایجاد مدارس و آموزش های جدید آغاز شد. هر چند این تلاش ها با موج مخالفت سنت گرایان روبه رو بود. منابع عصر قاجار اولین مؤسس مدارس جدید در ایران را میرزا حسن رشدیه می دانند. رشدیه، که در خانواده ای روحانی به دنیا آمده بود، بعد از چند سال اقامت در بیروت با نحوه تدریس مدارس جدید آشنا شد و همین روش را در بازگشت به تبریز اجرا کرد. رشدیه به آموزش الفبا به سبک جدید پرداخت و سعی کرد به جای کتب سنگین ادبی از کتب فارسی ساده استفاده کند، اما این تلاش با چالش های فراوانی روبه رو شد و به یکی از موضوعات شایعه ساز بدل شد. ناظم الاسلام کرمانی در مبحثی با عنوان «سبب گرفتاری مدیر رشدیه» می نویسد:

میرزا آقا حسن رشدیه مدتی در تبریز در تأسیس مدارس و مکاتب زحمات زیادی کشیده به طهران آمد و تأسیس مدرسه رشدیه را نمود ... فریاد برخی در مجالس بلند شد که

آخرالزمان نزدیک شده است که جماعتی بابی و لامذهب می‌خواهند الف و بء ما را تغییر دهند، قرآن را از دست اطفال بگیرند و کتاب به آن‌ها یاد بدهند ... (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۷۱: ۳۶۲).

مؤلف حیات یحیی در علل مخالفت یکی از متنفذترین روحانیون آن عصر می‌نویسد:

وی در صدد می‌شود از علمای نجف عریضه‌ای به توسط او به شاه صادر شود که این مدارس برای علم دیانت مضر است و امر بفرمایند که آن‌ها را منحل نمایند (دولت‌آبادی، ۱۳۶۱: ۱/۳۲۸).

شایعه مخالفت رشدیه با تعلیمات اصول دینی و آموزش‌های حوزوی منتشر شد تا جایی که به تخریب برخی از این مدارس منجر شد (رشدیه، ۱۳۶۲: ۳۱). مخالفت با این‌گونه مدارس تا حدی ادامه یافت که بسیاری از مسئولان مدارس با دعوت برخی روحانیون جهت حضور و مشاهده نحوه تدریس در مدارس سعی در پایان‌دادن به این‌گونه شایعات کردند (همان: ۳۲؛ ترابی، ۱۳۷۸: ۱۴).

امین‌الدوله در صدد پایه‌گذاری شیوه‌های نوین آموزش در مدارس بود (مجدالاسلام کرمانی، ۱۳۵۶: ۱۶۷). از سویی رواج شیوه‌های جدید مانند ایجاد مدارس، که غالباً اقتباس از غرب بود، نیز با چالش‌های متعددی روبه‌رو بود و موجب انتشار شایعات مختلفی شد. شایع شد که امین‌الدوله می‌خواهد اصول تعلیمات قدیمی را از میان بردارد و موقوفاتی را که صرف مدارس قدیمه و تحصیل فقه و اصول می‌شود به مصرف زبان انگلیسی و فرانسه برساند (همان: ۱۶۸). شایعه دیگر این بود که وی «طبیعی مذهب» است، چون از هر سخنی که به میان می‌آید، می‌گوید: بالطبع خوب خواهد شد (لسان‌الملک سپهر، ۱۳۷۷: ۸۳، ۱۸۳، ۲۲۴). همچنین شایع شده بود که وی خیال دارد قوانین جدیدی در ایران دایر کند و سبک فرنگی‌ها را در این‌جا رواج دهد (همان: ۲۲۴).

مخالفان آموزش‌های نوین وجود این مدارس را موجب اشاعه کفر و فساد تلقی می‌کردند، اما جمعی از مؤسسان مدارس مانند «سیدمحمد طباطبائی» و «شیخ‌هادی نجم‌آبادی» از حامیان این‌گونه مدارس بودند. طباطبائی با تأسیس «مدرسه اسلام» به سرپرستی شیخ‌هادی نجم‌آبادی عملاً جواب مخالفان و شایعات ساخته و پرداخته شده به وسیله آن‌ها را داد. طباطبائی در این مورد می‌گوید:

وقتی مردم علوم قدیم را تحصیل می‌کردند و در صدد علوم جدید نبودند، حال می‌گویم علوم جدید هم دانستنش لازم است شما باید حقوق بین‌المللی را هم بدانید ... شما اگر از

علوم جدیده ربطی داشتید، از تاریخ و علم حقوق اطلاعی داشتید، اگر عالم بودید آن وقت معنی سلطنت را می دانستید (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۷۱: ۳۷۷).

طباطبائی معتقد بود با تحصیل علوم جدید مردم دانا و عالم می‌شوند، بعد از عالم شدن آن‌ها تقاضای حقوق ملی خود را خواهند کرد و دیگر زیر بار ظلم نخواهند رفت (همان: ۳۷۸). عناصر شایعه‌ساز به تحریک احساسات عمومی می‌پرداختند. شایعه‌پردازان معمولاً شایعات را به سمت‌وسویی هدایت می‌کردند که در جامعه سستی عصر قاجار یا مسائل مهم جامعه آن عصر را تشکیل می‌داد و یا به صورت اتفاقات خلاف عرف نمایان می‌شد. لذا، از این رهگذر شایعه‌پراکنان می‌توانستند به بهترین وجه از شایعه به نفع خود یا گروه ذینفع بهره‌برداری کنند.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در مقدمه ذکر شد، ویژگی‌های سیاسی و اقتصادی جوامع در رواج برخی شایعات نقش مهمی ایفا می‌کنند. عصر قاجار در تاریخ ایران یکی از برجسته‌ترین دورانی بود که شایعه به‌منابۀ یکی از ابزارهای مهم سیاسی به هنگام به‌خطرافتادن منافع قشرهای مختلف رشد و انتشار می‌یافت. شایعات مربوط به حوادث این عصر عمدتاً به دو بخش تقسیم می‌شدند:

- خبرهایی که عوامل حکومتی، ایادی دولت‌های روس و انگلیس و یا حامیان منافع آنان جعل و یا تحریف می‌کردند و سپس به‌صورت شایعه انتشار می‌دادند.

- خبرها و یا اتفاقاتی که بخش‌هایی از جامعه که مخالف تغییرات بودند، می‌ساختند و برای رد و تضعیف موضع رقیب، به‌صورت شایعاتی که بتواند آن خبر یا پدیده را به چالش‌های اجتماعی و فرهنگی بکشد، منتشر می‌شد.

در این عصر علاوه بر تداوم نظام استبدادی پای دولت‌های قدرتمند روس و انگلیس هم به معرکه سیاسی ایران باز بود و امنیت روانی و اجتماعی جامعه تحت‌الشعاع این عوامل تضعیف می‌شد. جامعه از یک سو با دخالت و توطئه‌های مختلف دولت‌های روس، انگلیس و بعضاً عثمانی روبه‌رو بود و از سوی دیگر با مشکل دخالت دولت‌مردان سیاسی غیرصادق، اقشار متنفذ سنت‌گرا و همچنین عوامل سرسپرده نیز مواجه می‌شد. مجموعه این عوامل در ایجاد و رشد برخی شایعات نقش مؤثری ایفا می‌کرد و لذا در برخی موارد نزاع‌های سیاسی و اقتصادی دولت‌های مداخله‌گر، پنهان‌کاری‌های عوامل استبداد و نیروهای درباری بهترین امکان را در اختیار منابع انتشار شایعه و یا خبرهای جعلی می‌گذاشت تا از

آن به دلخواه بهره‌برداری کنند. به گونه‌ای که برخی شایعات عمداً یا سهواً به باور تبدیل شده و به صورت مکتوب درآمدند. از جمله می‌توان به برخی مورخان نظیر اعتمادالسلطنه، لسان‌الملک و معیرالممالک اشاره کرد که با ثبت و انتشار شایعات در متون تاریخی عملاً به رواج این گونه شایعات دامن زدند و در کنار طیف‌های دیگر نظیر: دولت‌مردان سیاسی، نیروهای وابسته به دربار، نیروهای حامی منافع دولت‌های مداخله‌گر خارجی به یکی از طیف‌های انتشار شایعه تبدیل شدند.

منابع

قرآن کریم.

- آجودانی، ماشاءالله (۱۳۸۲). *مشروطه ایرانی*، تهران: اختران.
- آپورت، گردن و لئو پستمن (۱۳۷۲). *روان‌شناسی شایعه*، ترجمه ساعد دبستانی، تهران: سروش.
- آوری، پیتر (۱۳۶۹). *تاریخ معاصر ایران از تأسیس تا انقراض قاجاریه*، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: چاپخانه حیدری.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۶۷). *منتظم ناصری*، تصحیح و تحشیه محمد مشیری، تهران: دنیای کتاب.
- افشار، محمود (۱۳۵۸). *سیاست اروپا در ایران*، تهران: بنیاد موقوفات افشار.
- براون، ادوارد (۱۳۷۶). *انقلاب مشروطیت ایران*، ترجمه مهری قزوینی، تهران: کویر.
- ترابی‌فارسانی، سهیلا (۱۳۷۸). *اسنادی از مدارس دختران*، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- تهرانی‌کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۹). *مشاهدات و تحلیل اجتماعی سیاسی از تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، با مقدمه ناصر کاتوزیان، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- حکیمی، محمود (۱۳۷۹). *ایران در عصر ناصرالدین شاه*، تهران: قلم.
- خزائلی، عذرا (۱۳۷۴). «شایعه و وسایل ارتباط جمعی»، *مجله پژوهش و سنجش*، س ۲، ش ۷.
- خورموجی، محمدجعفر (۱۳۶۳). *حقایق‌الانخبار ناصری*، به کوشش خدیو جم، تهران: نی.
- دادگران، سیدمحمد (۱۳۷۶). *افکار عمومی و معیارهای سنجش آن*، تهران: مروارید.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۶۱). *حیات یحیی*، ج ۱، تهران: چاپخانه رودکی.
- رشدیه، شمس‌الدین (۱۳۶۲). *سوانح عمر*، تهران: تاریخ ایران.
- زیشکا، آنتوان (۱۳۲۶). *جنگ مخفی برای نفت*، ترجمه داود داودی، اصفهان: نقش جهان.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۷۴). *روان‌شناسی اجتماعی*، تهران: آوای نور.
- شمیم، علی‌اصغر (۱۳۷۴). *ایران در دوره سلطنت قاجار*، تهران: مدبر.
- عبدالله‌یف، فتح‌الله (۱۳۵۶). *گوشه‌ای از مناسبات روسیه و ایران و سیاست انگلستان در آغاز قرن نوزدهم*، ترجمه غلامحسین متین، تهران.

- فاتح، مصطفی (۱۳۵۸). *پنج‌جاه سال نفت ایران*، تهران: پیام.
- فرمانفرمائی، حافظ (۱۳۷۰). *خاطرات سیاسی امین‌الدوله*، تهران: امیرکبیر.
- فووریه (۱۳۶۶). *سه سال در دربار ایران*، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، به کوشش همایون شهیدی، تهران: دنیای کتاب.
- قائم‌مقامی، جهانگیر (۱۳۴۸). «نکاتی درباره قتل گریبایدوف»، *مجله بررسی‌های تاریخی*، س ۴، ش ۵ و ۶.
- کاپرر، ژان‌نوئل (۱۳۸۰). *شایعه*، ترجمه خداداد موقر، تهران: نشر و پژوهش شبیراز.
- لسان‌الملک سپهر، محمدتقی (۱۳۷۷). *ناسخ‌التواریخ*، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.
- لغت‌نامه* (۱۳۶۳). به کوشش علی‌اکبر دهخدا، تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
- مجدالاسلام کرمانی، احمد (۱۳۵۱). *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، به کوشش محمود خلیل‌پور، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- مجدالاسلام کرمانی، احمد (۱۳۵۶). *تاریخ انحطاط مجلس*، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- معیرالممالک، دوستعلی خان (۱۳۶۲). *یادداشت‌هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین‌شاه*، تهران: تاریخ ایران.
- مهدی‌زادگان، ایران (۱۳۸۰). «همه‌گیرشناسی ویروس شایعه و شایعه‌پراکنی»، *فولاد*، ش ۸۲.
- ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد (۱۳۷۱). *تاریخ بیداری ایرانیان*، تهران: امیرکبیر.
- نوری، مسعود (۱۳۶۱). *میرزاضای کرمانی*، تهران: نور.
- نهضت مشروطه ایران بر پایه اسناد وزارت امور خارجه (۱۳۷۰). به کوشش ابراهیم صفایی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
- وقایع اتفاقیه* (۱۲۶۸ ق). ش ۵۲.
- هدایت، رضاقلی خان (۱۳۸۰). *روضه‌الصفای ناصری*، تهران: اساطیر.
- بی‌نا (۱۳۸۰). «شایعه چیست و چه کسانی شایعه‌پراکنی می‌کنند»، *صف*، ش ۲۱۵.

Difonzo, Bordia (2002). *Corporate Rumor Activity, Belief and Accuracy*: Public Relations Review.

Koeing, Fredrick (1985). *Rumor in the Marketplace*, House Publishing Company.

Webster's New International Dictionary (1969).